الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿١٠٧﴾

درحق تونعمتی پس نیست هیچ دفع کننده فضل اورا میرساندش بهرکه خواهد ازبندگان خود واوست آمرزندۀ مهربان (١٠٧) .

قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكُمْ ۚ فَمَنِ
اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ
عَلَيْهَا ۚ وَمَآ اَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيْلٍ ﴿١٠٨﴾

بگوای مردمان بتحقیق آمده است به شماوحی راست از پروردگار شماپس هرکه راه یافت جزاین نیست که راه یابد برای خود وهرکه گمراه شد جزاین نیست که گمراه می شود بزیان خود ونیستم من برشما نگهبان (١٠٨) .

وَاتَّبِعْ مَا يُوْحٰٓى اِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ ۚ وَهُوَ خَيْرُ
الْحٰكِمِيْنَ ﴿١٠٩﴾

و(یامحمد) پیروی کن چیزی را که وحی فرستادیم بتووشکیبائی کن تاآنکه فیصله کند خدا واو بهترین فیصله کنندگان است (١٠٩) .

سُوْرَةُ هُوْدٍ

سوره هود مکی است وآن یك صدو بیست وسه آیت وده رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الۤرٰ ۟

الۤرٰ .

كِتٰبٌ اُحْكِمَتْ اٰيٰتُهٗ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ خَبِيْرٍ ۙ ﴿١﴾

این کتابیست که استوارکرده شد آیاتِ او بازواضح کرده شده آمده ازنزد خدای درست کارباخبر (١) .

اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّا اللّٰهَ ۭ اِنَّنِيْ لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ ۙ ﴿٢﴾

(بآن مضمون که پیغامبرگوید) عبادت نکنید مگر خدارا هرآئینه من شمارا ازجانب اوبیم کننده وبشارت دهنده ام (٢) .

وَّاَنِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَّتَاعًا حَسَنًا اِلٰٓى
اَجَلٍ مُّسَمًّى وَّيُؤْتِ كُلَّ ذِيْ فَضْلٍ فَضْلَهٗ ۭ وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنِّيْٓ
اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيْرٍ ﴿٣﴾

وآنکه آمرزش طلب کنید ازپروردگار خود بازرجوع کنید بسوی وی تابهره مند سازدشمارا به بهرۀ نیك تامیعاد معلوم وتا بدهد هرصاحب بزرگی را جزای

بزرگی او وا گر روگردان شوید پس هرآئینه من می ترسم برشما ازعذاب روز بزرگ (٣) .

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ④

بسوی خداست بازگشت شماواو برهرچیز تواناست (٤) .

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ۚ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ⑤

آ گاه باش این کافران می پیچند سینه های خودرا[١] می خواهند که پنهان شوند ازخدا آ گاه باش چون برسر می‌کنند جامه های خودرا میداند آنچه پنهان می دارند وآنچه آشکار می کنند هرآئینه اوداناست بسریکه در سینه هاست[٢] (٥) .

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا ۚ كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ⑥

ونیست هیچ جنبنده درزمین مگربرخداست روزی اوو می داند جای ماندن اورا وجای نگاهداشتن اورا هریك درکتاب روشن ست[٣] (٦) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ

واوست آنکه آفرید آسمان ها وزمین را درشش روز وبود عرش او برآب (آخرکار آفریدن شماآنکه) تابیازماید شمارا که کدام یك ازشما نیکوتراست

---

(١) یعنی اعراض می کنند .

(٢) مترجم گوید میتوان گفت پیچیدن سینه عبارت ازآنست که فکر های ناصواب کند وبشبهات واهیه دل خودرا اطمینان دهد وعقائد حقه را فراموش سازد زیرا که صدراینجا بمعنی علومِ صدرآمده است .

(٣) یعنی درلوح محفوظ نوشته شده مترجم گوید مستودع جائی است که بغیر اختیار اوآنجا نگاهداشته بودندمانند صُلب ورَحِم ومستقر جائیست که باختیار خود می‌ماند مثل خانه .

هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۞ ﴿٧﴾

ازجهت عمل و ا گر گوئی که هرآئینه شمابرانگیخته شوید بعدازموت البته گویند کافران نیست این سخن مگر جادوئی ظاهر (٧) .

وَلَئِنْ اَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِلٰٓى اُمَّةٍ مَّعْدُوْدَةٍ لَّيَقُوْلُنَّ مَا يَحْبِسُهٗ ؕ اَلَا يَوْمَ يَاْتِيْهِمْ لَيْسَ مَصْرُوْفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ۞ ﴿٨﴾

وا گر بازداریم ازایشان عقوبت راتامدتی شمرده شده البته گویند چه چیز باز می‌دارد آنرا آ گاه باش روزیکه بیاید بایشان نه باشد بازداشته شده ازایشان وفرا گیرد ایشان را آنچه استهزامی کردند بآن (٨) .

وَلَئِنْ اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنٰهَا مِنْهُ ۚ اِنَّهٗ لَيَئُوْسٌ كَفُوْرٌ ۞ ﴿٩﴾

وا گر بچشانیم آدمی را نعمتی ازنزد خودبازبرگیریم آن راازوی هرآئینه وی ناامید وناسپاس است (٩) .

وَلَئِنْ اَذَقْنٰهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُوْلَنَّ ذَهَبَ السَّيِّاٰتُ عَنِّيْ ؕ اِنَّهٗ لَفَرِحٌ فَخُوْرٌ ۞ ﴿١٠﴾

وا گر بچشانیم آدمی را رفاهیتی بعد سختی که رسیده باشد به وَی البته گوید برفتند سختی هاازمن هرآئینه وی شادمان خود ستاینده است (١٠) .

اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ؕ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ كَبِيْرٌ ۞ ﴿١١﴾

مگر آنانکه شکیبائی نمودند وکارهای شائسته کردند آن جماعت ایشان راست آمرزش ومزدِبزرگ (١١) .

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌۢ بَعْضَ مَا يُوْحٰٓى اِلَيْكَ وَضَآئِقٌۢ بِهٖ صَدْرُكَ اَنْ يَّقُوْلُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ جَآءَ مَعَهٗ مَلَكٌ ؕ اِنَّمَآ اَنْتَ نَذِيْرٌ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ ۞ ﴿١٢﴾

پس شاید توترك کنی بعض آنچه وحی فرستاده می‌شود بسوی تو وتنگ می‌شود بآن سینه تو[1] ازجهت آنکه می‌گویند چرا فروآورده نه شد بروی گنجی یاچرا نیامد همراه اوفرشته جزاین نیست که توبیم کننده ای وخدا برهر چیز نگهبان است (١٢) .

(١) یعنی ترك مكن دلتنگ مشو .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرٰىهُ ۖ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيٰتٍ وَّادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صٰدِقِينَ ﴿١٣﴾

آیامی گویند افترابسته است (قرآن را) بگوپس بیارید ده سوره را ماننداین بربافته وبخوانید هرکرا توانید بجز خدا ا گر راست گوهستید[1] (١٣) .

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٤﴾

پس ا گر قبول نکنند آن کافران سخن شمارا بدانید که قرآن نازل کرده شده است بعلم خدا وبدانید که هیچ معبود برحقی نیست مگروی پس آیاشما مسلمان هستید[2] (١٤) .

مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمٰلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾

هرکه خواسته باشد زندگانی دنیا وتجمل آن بتمام رسانیم بسوی این جماعت جزای اعمال ایشانرا درینجا وایشان درینجا نقصان داده نه شوند[3] (١٥) .

أُولٰٓئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ ۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبٰطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

این جماعت آنانند که نیست ایشان را درآخرت مگر آتش وباطل شد درآخرت آنچه کرده بودند ونابودست آنچه به عمل می آوردند (١٦) .

أَفَمَن كَانَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتٰبُ مُوسٰىٓ إِمَامًا وَّرَحْمَةً ۚ أُولٰٓئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمَن

آیاکسی که باشد بر حجتی ازجانب پروردگارخود[4] ودنبال وی می آید گواهی ازجانب پروردگار او[5] وپیش

---

(١) مترجم گوید نخست بِدَه سوره تحدّی واقع شدوچون ازآن عاجز شدند بیك سوره تحدّی فرمود .
(٢) یعنی براسلام ثابت باشید .
(٣) یعنی ثواب صدقه وصلهٔ رحم که ازکفار بوجود می آید در دنیا داده میشوند بتوسیع رزق وصحت بدن .
(٤) یعنی دلیل عقلی .
(٥) یعنی قرآن .

يَكْفُرْ بِهٖ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهٗ ۚ فَلَا تَكُ فِيْ مِرْيَةٍ مِّنْهُ ۚ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١٧﴾

ازقرآن گواه وی بود کتاب موسیٰ پیشوائی وبخشایشی مثل دیگران باشد این جماعت ایمان می آرند بقرآن و هرکه کافرشد بآن ازگروه ها پس آتش وعده گاه ویست پس مباش درشبهه ازنزول قرآن هرآئینه وی درست است، آمده ازپروردگار تو ولیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آرند (١٧) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ۚ أُولٰٓئِكَ يُعْرَضُوْنَ عَلٰى رَبِّهِمْ وَيَقُوْلُ الْأَشْهَادُ هٰٓؤُلَآءِ الَّذِيْنَ كَذَبُوْا عَلٰى رَبِّهِمْ ۚ أَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٨﴾

وکیست ستمگارتر ازکسی که بربست برخدا دروغی را این جماعت آورده شوند پیش پروردگار خویش و گویند گواهان[1] ایشانند آنانکه دروغ بستند برپروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست برستمگاران (١٨) .

الَّذِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَيَبْغُوْنَهَا عِوَجًا ۚ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿١٩﴾

آنانکه بازمی دارند مردمان را ازراهِ خداومیخواهند برای آن راه کجی را وایشان بآخرت کافراند (١٩) .

أُولٰٓئِكَ لَمْ يَكُوْنُوْا مُعْجِزِيْنَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ ۘ يُضٰعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ ۚ مَا كَانُوْا يَسْتَطِيْعُوْنَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوْا يُبْصِرُوْنَ ﴿٢٠﴾

این جماعت نه باشند عاجز کننده درزمین ونه باشد ایشان را بجز خدا از دوستان، دوچند کرده شود ایشان را عذاب نمی توانستند شنیدن (یعنی بسبب شدت ناخوشی) و نمی دیدند[2] (٢٠) .

أُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿٢١﴾

این جماعت آنانند که زیان کردند درحق خویش وگم شد ازایشان آنچه برمی بافتند (٢١) .

---

(١) یعنی کراماً کاتبین .

(٢) مترجم گوید ومیتوان گفت که همزهٔ استفهام انکاری محذوف است یعنی آیا نمی‌توانستند شنیدن وآیانمی دیدند .

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ﴿٢٢﴾

بیشك این جماعت درآخرت ایشانند زیانکارتر (٢٢) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وعمل های شائسته کردند وفروتنی کردند توجه کنان بسوی پروردگار خویش ایشان اهل بهشت اند ایشان آنجا جاویدانند (٢٣) .

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۚ هَلْ
يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

مثال این دوفریق مانندکور وکر وبینا وشنوااست آیا هردوبرابراند درصفت آیاپندنمی‌گیرید (٢٤) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢٥﴾

وهرآئینه فرستادیم نوح رابسوی قوم اوگفت هرآئینه من برای شمابیم دهندهٔ آشکارم (٢٥) .

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾

(باین مضمون) که مپرستید مگر خدارا هرآئینه من می ترسم برشما ازعذاب روزدرد دهنده (٢٦) .

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا
مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا
بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ
كَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

پس گفتندجماعتی که کافربودند ازقوم اونمی بینیم ترا مگر آدمی مانند خویش ونه می بینیم که پیروی توکرده باشند (بتأمل سرسری) مگر آنانکه ایشان اراذل مایند ونمی بینیم برای شما هیچ بزرگی برخود بلکه می پنداریم شمارا دروغگو (٢٧) .

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي
رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا
وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ﴿٢٨﴾

گفت ای قوم من خبر دهیدمرا بدانکه اگر باشم برحجتی از پروردگار خود وداده باشد بمن بخشائشی ازنزد خود پس پوشانیده شد حقیقت آن

برشما آیا اجبار کنیم شمارا برآن
وشماناخواهان آن باشید؟ (٢٨) .

وَيٰقَوْمِ لَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللّٰهِ وَمَآ أَنَا
بِطَارِدِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۚ إِنَّهُمْ مُّلٰقُوْا رَبِّهِمْ وَلٰكِنِّيْٓ أَرٰىكُمْ قَوْمًا
تَجْهَلُوْنَ ﴿٢٩﴾

وای قوم من طلب نمی کنم ازشمابراین
پیغام رسانیدن مالی را، نیست مزدِمن
مگر بر خدا و نیستم طردکنندۀ
مسلمانان (یعنی ازصحبت خود) هرآئینه
ایشان ملاقات کنندگانند با پروردگار
خویش ولیکن من می بینم شمارا قومی
که جهالت می کنید (٢٩) .

وَيٰقَوْمِ مَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ إِنْ طَرَدْتُّهُمْ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٣٠﴾

وای قوم من کِه نصرت دهد مراازعقوبت
خدا اگر برانم ایشان را آیاپندنمی گیرید
(٣٠) .

وَلَآ أَقُوْلُ لَكُمْ عِنْدِيْ خَزَآئِنُ اللّٰهِ وَلَآ أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَآ
أَقُوْلُ إِنِّيْ مَلَكٌ وَّلَآ أَقُوْلُ لِلَّذِيْنَ تَزْدَرِيْٓ أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُّؤْتِيَهُمُ
اللّٰهُ خَيْرًا ۖ اَللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا فِيْٓ أَنْفُسِهِمْ ۖ إِنِّيْٓ إِذًا لَّمِنَ
الظّٰلِمِيْنَ ﴿٣١﴾

ونمی گویم به شما که نزد من است
خزینه های خدا ونه آنکه میدانم غیب را
ونمی گویم که من فرشته ام ونمی گویم
آنان را که بخواری می نگردبدیشان
چشمهای شما که نخواهد دادخدا بدیشان
هیچ نعمتی خدادانا تراست بآنچه
درضمیر های ایشان است هرآئینه من
آنگاه ازستمگاران باشم (٣١) .

قَالُوْا يٰنُوْحُ قَدْ جٰدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ
إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٣٢﴾

گفتند ای نوح مکابره کردی باما پس
بسیارکردی مکابرۀ مارا پس بیارآنچه
وعده می کنی اگر هستی از راست گویان
.(٣٢)

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيْكُمْ بِهِ اللّٰهُ إِنْ شَآءَ وَمَآ أَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٣٣﴾

گفت جزاین نیست که بیارد آن را به
شماخدا اگر خواهد وشماعاجز کننده
نیستید (٣٣) .

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِيْٓ إِنْ أَرَدْتُّ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللّٰهُ يُرِيْدُ

وسودنمی دهد شمارا نصیحت من اگر
خواهم که نصیحت کنم شمارا اگر خدا

أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾

خواسته باشد که‌گمراه کند شمارا اوست پروردگار شما وبسوی اوبازگردانیده می‌شوید (٣٤) .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا
بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ ﴿٣٥﴾

(یا محمد) آیامی گویند افترابسته است قرآن را بگو اگر افترابسته ام قرآن را پس برمن است‌گناه من ومن بی تعلّقم ازگناه کردن شما[١] (٣٥) .

وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ
فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

ووحی فرستاده شد بسوی نوح که ایمان نخواهد آورد ازقوم تو مگرآنکه مومن شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه می‌کردند (٣٦) .

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي
الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾

وبه ساز کشتی را بدیدگاه ما وبفرمانِ ما وسخن مگوبامن دربارهٔ آنانکه ستم کردند هرآئینه ایشان غرق شلگانند (٣٧) .

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ
قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾

ومی ساخت نوح کشتی را وهرگاه که می‌گذشت برآن کشتی جماعتی ازقوم او تمسخر میکردند باوی ،گفت اگر مسخره می کنید مارا پس هرآئینه مامسخره خواهیم کردشمارا چنانکه شما مسخره می‌کنید (٣٨) .

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ
عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٣٩﴾

پس خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش وفرودآید بروی عقوبتی دائم (٣٩) .

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ

(درهمین معامله بود) تاوقتیکه آمدفرمان ما وبجوشید تنور وگفتیم برداردرکشتی

---

(١) مترجم‌گوید این جمله اضافه کرده شددر وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه باحال قوم حضرت نوح والله اعلم .

زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ
وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾

ازهرجنسی دوتن (نروماده) را وبردار اهل خودرا مگرآنکه سبقت کرده است بروی قضا(١) وبردار مسلمانان را، وایمان نیاوردند باوی مگراندکی (٤٠) .

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ ﴿٤١﴾

وگفت (نوح) سوار شوید درکشتی، بنام خداست روان شدن وی وایستادن وی هر آئینه پروردگار من آمرزندهٔ مهربانست (٤١).

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ
وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾

وآن کشتی می بُرد ایشان را درموجی مانند کوه ها وآواز داد نوح پسر خودرا واوبود درکرانه ای پسرك من سوارشو باما ومباش باکافران (٤٢) .

قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ
الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ
مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾

گفت پناه خواهم گرفت بسوی کوهی که نگاه دارد مرا ازآب گفت نوح هیچ نگاه دارنده نیست امروز از عذاب خدا مگر آنکه خدا رحم کرده است بروی وحائل شد موج میان ایشان پس شد ازغرق شدگان (٤٣) .

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ
وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾

وگفته شد ای زمین فروبرآب خودرا وای آسمان بازمان(٢) وکم کرده شد آب وبه انجام رسانیده شدکار وقرارگرفت کشتی برکوه جودی وگفته شد هلاکت باد قوم ستمگاران را (٤٤) .

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي

و آوازداد نوح پروردگار خودرا پس گفت ای پروردگار من هرآئینه پسر من ازاهل

---

(١) يعنی زن نوح وکنعان پسر نوح .
(٢) يعنی ازباران .

وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحٰكِمِيْنَ ﴿٤٥﴾	من است وهرآئينه وعدهٔ توراست است وتوبهترين حكم كنندگانى (٤٥) .
قَالَ يٰنُوْحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ ۚ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ ۖ فَلَا تَسْـَٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۖ إِنِّيْ أَعِظُكَ أَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْجٰهِلِيْنَ ﴿٤٦﴾	گفت اى نوح هرآئينه وى نيست ازاهل تو هر آئينه او كارى ناشائسته است پس سوال مكن تو مرا ازچيزى كه نيست ترا دانش به آن هرآئينه من پندميدهم ترا براى احتراز ازآنكه باشى ازجاهلان (٤٦) .
قَالَ رَبِّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِيْ بِهِ عِلْمٌ ۖ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِيْ وَتَرْحَمْنِيْ أَكُنْ مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٤٧﴾	گفت اى پروردگار من هرآئينه من پناه مى‌برم به توازآنكه به پرسم ازتو آنچه نيست مرادانش به آن واگر نيامرزى مرا و رحمت نه كنى برمن باشم از زيان كاران (٤٧) .
قِيْلَ يٰنُوْحُ اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَبَرَكٰتٍ عَلَيْكَ وَعَلٰىٓ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَّعَكَ ۚ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيْمٌ ﴿٤٨﴾	گفته شداى نوح فرودآ با سلامتى ازجانب ما وهمراه بركت هافرودآمده برتووبرامت هائى كه پيدا شوند ازهمراهان توومامت هائى ديگركه بهره مند مى سازيم ايشان را دردنيابازبرسد بايشان ازجانب ماعذاب درد دهنده (٤٨) .
تِلْكَ مِنْ أَنْۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهَآ إِلَيْكَ ۚ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَآ أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هٰذَا ۖ فَاصْبِرْ ۖ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٤٩﴾	ايـن قصـه ازاخبـار غيـب اسـت وحـى ميفرستيم آن را بسوى تونمى دانستى آن را تو ونه قوم تو مى دانستندپيش ازين پس صبركن هرآئينه عاقبت مرمتقيان راست (٤٩) .
وَإِلٰى عَادٍ أَخَاهُمْ هُوْدًا ۚ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلٰهٍ غَيْرُهُ ۖ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُوْنَ ﴿٥٠﴾	وفرستاديم بسوى عاد برادر ايشان هود را گفـت اى قـوم مـن عبـادت كنيـد خـدارا نيست شماراهيچ معبود برحقى بجزوى نيستيد شما مگر افتراء كننده (٥٠) .
يٰقَوْمِ لَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِيْ	اى قوم من نمى طلبم ازشما براين پيغام مزدى را، نيست مزدمن مگر بركسيكه

فَطَرَنِيْ ۚ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٥١﴾

آفریده است مرا آیادرنمی یابید (٥١) .

وَيٰقَوْمِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَآءَ
عَلَيْكُمْ مِّدْرَارًا وَّيَزِدْكُمْ قُوَّةً اِلٰى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
مُجْرِمِيْنَ ﴿٥٢﴾

وای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بسوی اوتابفرستدباران را برشماریزان وبیافزاید شمارا قوتی همراه قوتِ شما وروگردان مشوید گنهگارشده (٥٢) .

قَالُوْا يٰهُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَّمَا نَحْنُ بِتَارِكِيْٓ اٰلِهَتِنَا
عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِيْنَ ﴿٥٣﴾

گفتند ای هود نیاوردی بما دلیلی ونیستیم ما ترك کننده معبودان خودرا بگفتهٔ تو ونیستیم ماترا باوردارنده (٥٣) .

اِنْ نَّقُوْلُ اِلَّا اعْتَرٰىكَ بَعْضُ اٰلِهَتِنَا بِسُوْٓءٍ ۗ قَالَ اِنِّيْٓ اُشْهِدُ اللّٰهَ
وَاشْهَدُوْٓا اَنِّيْ بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ ﴿٥٤﴾

نمی‌گوئیم مگرآنکه رسانیده اند بتو بعض معبودان ما ضرری ، گفت هرآئینه من‌گواه می سازم خدارا وشماگواه باشید که من بی تعلقم ازآنچه شما شریك می گیرید (٥٤) .

مِنْ دُوْنِهٖ فَكِيْدُوْنِيْ جَمِيْعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُوْنِ ﴿٥٥﴾

بجزوی پس توطئه کنیددرحق من همه یك جابازمهلت مدهیدمرا (٥٥) .

اِنِّيْ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ رَبِّيْ وَرَبِّكُمْ ۗ مَا مِنْ دَآبَّةٍ اِلَّا هُوَ
اٰخِذٌۢ بِنَاصِيَتِهَا ۗ اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٥٦﴾

هرآئینه من توکل کردم برخدا پروردگار من وپروردگارشما نیست هیچ جنبنده ای مگر خداگیرنده است به پیشانی او[1] هرآئینه پروردگارمن برراه راست است[2] (٥٦) .

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ مَّآ اُرْسِلْتُ بِهٖٓ اِلَيْكُمْ ۗ
وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّيْ

پس اگر روگردان شوید ضرری بمن عائد نیست هرآئینه رسانیدم به شماپیغامی را که فرستاده شدم همراه آن بسوی شماوجانشین سازد پروردگار من

---

(١) یعنی مالك اوست .

(٢) یعنی حکیم است .

قَوْمًا غَيْرَكُمْ ۚ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْـًٔا ۚ إِنَّ رَبِّى عَلَىٰ
كُلِّ شَىْءٍ حَفِيظٌ ﴿٥٧﴾

قومی را بغیراز شماوهیچ زیان نتوانیدرسانیدن خدارا هرآئینه پروردگار من برهمه چیزنگهبان است (٥٧) .

وَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا
وَنَجَّيْنَٰهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾

وچون آمد عذاب مانجات دادیم هود را وآنان را که ایمان آوردند باوی برحمتی ازجانب خود و برهانیدیم ایشان راازعقوبتِ سخت (٥٨) .

وَتِلْكَ عَادٌ ۖ جَحَدُوا۟ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا۟ رُسُلَهُۥ وَٱتَّبَعُوٓا۟ أَمْرَ كُلِّ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾

واین است سرگذشت عاد انکار کردند آیات پروردگار خودرا ونافرمانی نمودند پیغامبران اورا وپیروی کردند فرمان هرسرکش ستیزنده را (٥٩) .

وَأُتْبِعُوا۟ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ أَلَآ إِنَّ عَادًا
كَفَرُوا۟ رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿٦٠﴾

وازپَیِ ایشان فرستاده شددردنیا لعنتی وروزقیامت نیز، آگاه باش هرآئینه عاد کافرشدند به پروردگار خود آگاه باش نفرین بادعاد را که قوم هودبودند (٦٠) .

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا ۚ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ
غَيْرُهُۥ ۖ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ وَٱسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَٱسْتَغْفِرُوهُ
ثُمَّ تُوبُوٓا۟ إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّى قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ﴿٦١﴾

وفرستادیم بسوی ثمود برادرایشان صالح راگفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شمارا هیچ معبود برحقی بجزوی اوپیداکرد شمارا اززمین[1] و ساکن گردانید شمارا درزمین پس طلب آمرزش کنید ازوی بازرجوع کنید بسوی او هرآئینه پروردگار من نزدیك است پذیرندهٔ دعاست (٦١) .

قَالُوا۟ يَٰصَٰلِحُ قَدْ كُنتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَآ ۖ أَتَنْهَىٰنَآ أَن نَّعْبُدَ مَا
يَعْبُدُ ءَابَآؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِى شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَآ إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٦٢﴾

گفتند ای صالح بودی تودرمیان ماامیدداشته شده پیش ازین آیامنع می‌کنی ماراازآنکه عبادت کنیم معبودانی را که

---

(١) یعنی آفریدپدرومادر شما آدم وحوا راازخاك که شما ازنسل آنهائید .

عبادت میکردند پدران ماوهرآئینه
مادرشبهه قوی ایم ازآنچه میخوانی مارا
بسوی آن (٦٢).

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَاٰتٰىنِيْ مِنْهُ
رَحْمَةً فَمَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَيْتُهٗ فَمَا تَزِيْدُوْنَنِيْ غَيْرَ
تَخْسِيْرٍ ﴿٦٣﴾

گفت ای قوم من آیادیدید ا گرباشم
برحجتی ازپروردگار خود عطا کرده
باشد بمن ازجانب خود بخشائشی پس
که نصرت دهدمرا ازعقوبتِ خدااگر
نافرمانی اوکنم پس نمی‌افزائید درحق من
مگر زیان کاری را (٦٣).

وَيٰقَوْمِ هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْۤ اَرْضِ اللّٰهِ
وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ ﴿٦٤﴾

وای قوم من اینست ماده شتری که
خدافرستاده است برای شمانشانه پس
بگذاریدش تابخورد در زمین خدا
ومرسانید به وی هیچ ضرری که آنگاه
بگیرد شمارا عقوبتی نزدیك (٦٤).

فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِيْ دَارِكُمْ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ ذٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ
مَكْذُوْبٍ ﴿٦٥﴾

پس پَی زدند آن را پس گفت صالح بهره
مند باشید درسرای خود سه روز این
وعده هست غیر دروغ (٦٥).

فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صٰلِحًا وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا
وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ ﴿٦٦﴾

پس وقتی که آمد فرمان مانجات دادیم
صالح را وآنان را که ایمان آوردند همراه
وی به بخشائشی ازجانب خود ورهانیدیم
ازرسوائیِ آن روز، هرآئینه پروردگارتو
اوست توانای غالب (٦٦).

وَاَخَذَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَاَصْبَحُوْا فِيْ دِيَارِهِمْ جٰثِمِيْنَ ﴿٦٧﴾

ودر گرفت ستمگاران راآواز سخت پس
صبح کردند درسراهای خود مرده هائی
برروی افتاده (٦٧).

كَاَنْ لَّمْ يَغْنَوْا فِيْهَا اَلَاۤ اِنَّ ثَمُوْدَا۟ كَفَرُوْا رَبَّهُمْ اَلَا بُعْدًا
لِّثَمُوْدَ ﴿٦٨﴾

گویا هرگز نه بودندآن جا آ گاه باش
هرآئینه ثمود انکار کردند پروردگار
خودرا هرآئینه دوری باد ثمود را (٦٨).

وَلَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُنَاۤ اِبْرٰهِيْمَ بِالْبُشْرٰى قَالُوْا سَلٰمًا قَالَ سَلٰمٌ

هرآئینه آمدند فرستاد گان ماپیش ابراهیم

فَمَا لَبِثَ أَنْ جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿٦٩﴾

به بشارت، سلام گفتند ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد درآنکه آورد گوساله ای بریان (٦٩) .

فَلَمَّا رَآ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾

پس چون دیدکه دستهای ایشان نمی رسد بآن خوف زده شد ازایشان وبخاطر آوردازایشان ترسی گفتندمترس هرآئینه مافرستاده شده ایم بسوی قوم لوط (٧٠) .

وَامْرَأَتُهُ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَٰهَا بِإِسْحَٰقَ وَمِنْ وَرَآءِ إِسْحَٰقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

وزن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید(١) پس مژده دادیمش بتولد اسحاق وبعد اسحاق بوجود یعقوب (٧١) .

قَالَتْ يَٰوَيْلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾

گفت ای وای برمن آیاخواهم زادومن پیرم واین شوهر من است کلان سال شده هرآئینه این چیزی عجیب است (٧٢) .

قَالُوٓا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَٰتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿٧٣﴾

فرشتگان گفتند آیا تعجب می کنی ازقدرتِ خدا، بخشائش خدا و برکات اوبرشماست ای اهل این خانه هرآئینه خداستوده شدهٔ بزرگوارست (٧٣) .

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَٰهِيمَ الرَّوْعُ وَجَآءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾

پس چون رفت ازابراهیم خوف وآمدش بشارت شروع نمود جدال کردن با مادربارهٔ قوم لوط (٧٤) .

إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٌ مُّنِيبٌ ﴿٧٥﴾

هرآئینه ابراهیم بردبار ناله کننده رجوع کننده بخدابود (٧٥) .

يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَآ إِنَّهُ قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾

گفتیم ای ابراهیم بگذرازین جدال هرآئینه (حال اینست که) آمد عقوبت پروردگار توو هر آئینه این جماعت

(١) مترجم گوید یعنی بسبب خوش وقتی ازهلاك قوم لوط .

خواهدآمد بایشان عقوبتی که باز گردانیده نشود (٧٦) .

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَّقَالَ
هٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾

وچون آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندوهگین شد بسبب ایشان دلتنگ شد به سبب ایشان و گفت این روزیست سخت[1] (٧٧) .

وَجَآءَهٗ قَوْمُهٗ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ ؕ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ
السَّيِّاٰتِ ؕ قَالَ يٰقَوْمِ هٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِيْ هُنَّ اَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ
وَلَا تُخْزُوْنِ فِيْ ضَيْفِيْ ؕ اَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيْدٌ ﴿٧٨﴾

وآمدند پیش لوط قوم اوشتابان بسوی اووپیش ازآن میکردند کارهای زشت لوط گفت ای قوم من این دختران من اند (یعنی نکاح کنید) این ها پاکیزه تراند برای شماپس بترسید ازخدا ورسوامکنید مرا درمورد مهمانان من آیانیست ازشما هیچ مردشائسته ای (٧٨) .

قَالُوْا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِيْ بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ ۚ وَاِنَّكَ
لَتَعْلَمُ مَا نُرِيْدُ ﴿٧٩﴾

گفتند هرآئینه تودانسته ای که نیست مارا در دختران توحاجتی وهرآئینه تومیدانی آنچه می خواهیم (٧٩) .

قَالَ لَوْ اَنَّ لِيْ بِكُمْ قُوَّةً اَوْ اٰوِيْٓ اِلٰى رُكْنٍ شَدِيْدٍ ﴿٨٠﴾

گفت ا گر مرا بمقابلهٔ شما قوتی می‌بود یا پناه می گرفتم به قوم زورآور(چنین میکردم) (٨٠) .

قَالُوْا يٰلُوْطُ اِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَّصِلُوْٓا اِلَيْكَ فَاَسْرِ
بِاَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ الَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ اَحَدٌ اِلَّا
امْرَاَتَكَ ؕ اِنَّهٗ مُصِيْبُهَا مَآ اَصَابَهُمْ ؕ اِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ ؕ
اَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيْبٍ ﴿٨١﴾

فرشتگان گفتند ای لوط هرآئینه مافرستادگان پروردگار توایم نخواهند رسید به تو پس ببراهل خودرا بپاره ای از شب وباید که واپس ننگرد هیچکس ازشمامگرزن تو که رسیدنی است وراآنچه رسید باین قوم هرآئینه میعاد

---

(١) مترجم گوید یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند وعادت قوم معلوم بود پس خوف فتنه پیداشد والله اعلم .

ایشان وقت صبح ست آیاصبح نزدیك نیست؟ (٨١) .

فَلَمَّا جَآءَ اَمۡرُنَا جَعَلۡنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَاَمۡطَرۡنَا عَلَيۡهَا حِجَارَةً مِّنۡ سِجِّيۡلٍ مَّنۡضُوۡدٍ ﴿٨٢﴾

پس چون آمد فرمان ما ساختیم زبرآن (ده ها) را زیرآن وبارانیدیم برآنجاسنگهای ازگِل پخته، پَی درپَی (٨٢) .

مُّسَوَّمَةً عِنۡدَ رَبِّكَ ۚ وَمَا هِيَ مِنَ الظّٰلِمِيۡنَ بِبَعِيۡدٍ ﴿٨٣﴾

نشان مند ساخته شده نزد پروردگار تو واین سنگ هانیستند دورازستمگاران (٨٣) .

وَاِلٰى مَدۡيَنَ اَخَاهُمۡ شُعَيۡبًا ۚ قَالَ يٰقَوۡمِ اعۡبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمۡ مِّنۡ اِلٰهٍ غَيۡرُهٗ ۚ وَلَا تَنۡقُصُوا الۡمِكۡيَالَ وَالۡمِيۡزَانَ اِنِّيۡۤ اَرٰٮكُمۡ بِخَيۡرٍ وَّاِنِّيۡۤ اَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ مُّحِيۡطٍ ﴿٨٤﴾

وفرستادیم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب راگفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شمارا هیچ معبود برحقی مگروی وکم مکنید پیمانه وترازو را هر آئینه من می بینم شمارا که درنعمتید وهرآئینه من می ترسم برشماازعذاب روزدر بگیرنده[1] (٨٤) .

وَيٰقَوۡمِ اَوۡفُوا الۡمِكۡيَالَ وَالۡمِيۡزَانَ بِالۡقِسۡطِ وَلَا تَبۡخَسُوا النَّاسَ اَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تَعۡثَوۡا فِى الۡاَرۡضِ مُفۡسِدِيۡنَ ﴿٨٥﴾

وای قوم من کامل کنید پیمانه وترازو را بانصاف وکم مرسانید بمردمان چیزهای ایشان را وتباهکاری مکنید درزمین فسادکنان (٨٥) .

بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيۡرٌ لَّكُمۡ اِنۡ كُنۡتُمۡ مُّؤۡمِنِيۡنَ ۚ وَمَاۤ اَنَا عَلَيۡكُمۡ بِحَفِيۡظٍ ﴿٨٦﴾

باقی‌گذاشتهٔ خدای تعالی بهتر است برای شما اگر باور دارنده اید ونیستم من برشما نگهبان (٨٦) .

قَالُوۡا يٰشُعَيۡبُ اَصَلٰوتُكَ تَاۡمُرُكَ اَنۡ نَّتۡرُكَ مَا يَعۡبُدُ اٰبَآؤُنَاۤ اَوۡ اَنۡ نَّفۡعَلَ فِيۡۤ اَمۡوَالِنَا مَا نَشٰٓؤُا ؕ اِنَّكَ لَاَنۡتَ الۡحَلِيۡمُ الرَّشِيۡدُ ﴿٨٧﴾

گفتند ای شعیب آیانماز تومیفرمایدترا که بگذاریم آنچه می پرستیدند پدران ما یا بگذاریم آنکه کنیم درمال خود هرچه خواهیم هرآئینه تو مردِ بُردبار شائستهٔ

(١) یعنی هلاك کننده .

معامله ای (ومقصودایشان استهزابود) (٨٧) .

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّىْ وَرَزَقَنِىْ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ۭ وَمَآ اُرِيْدُ اَنْ اُخَالِفَكُمْ اِلٰى مَآ اَنْهٰىكُمْ عَنْهُ ۭ اِنْ اُرِيْدُ اِلَّا الْاِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۭ وَمَا تَوْفِيْقِىْٓ اِلَّا بِاللّٰهِ ۭ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ اُنِيْبُ ﴿٨٨﴾

گفت ای قوم من آیا دیدید ا گرباشم برحجتی از پروردگار خود وداده باشد بمن ازجانب خود روزیِ نیک[١] ونمی خواهم که خلاف کنم باشمامائل شده بسوی آنچه منع می کنم شمارا ازآن[٢] نمی خواهم مگر صلاح کاری تابتوانم ونیست توفیق من مگر به فضل خدا بروی توکل کردم وبسوی اورجوع می‌کنم (٨٨) .

وَيٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِىْٓ اَنْ يُّصِيْبَكُمْ مِّثْلُ مَآ اَصَابَ قَوْمَ نُوْحٍ اَوْ قَوْمَ هُوْدٍ اَوْ قَوْمَ صٰلِحٍ ۭ وَمَا قَوْمُ لُوْطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيْدٍ ﴿٨٩﴾

و ای قوم من ضدیت بامن نباید وادار سازد شمارا باین خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید بقوم نوح یا بقوم هود یابقوم صالح ونیست قوم لوط دورازشما (٨٩) .

وَاسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ ۭ اِنَّ رَبِّىْ رَحِيْمٌ وَّدُوْدٌ ﴿٩٠﴾

وطلب آمرزش کنید از پروردگار خود بازرجوع کنید بسوی اوهرآئینه پروردگار من مهربانِ دوستدارست (٩٠) .

قَالُوْا يٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيْرًا مِّمَّا تَقُوْلُ وَاِنَّا لَنَرٰىكَ فِيْنَا ضَعِيْفًا ۚ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنٰكَ ۡ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيْزٍ ﴿٩١﴾

گفتند ای شعیب نمی فهمیم بسیاری ازآنچه می گوئی وهرآئینه مامی بینیم ترا درمیان خودناتوان وا گر نه می‌بود قبیلهٔ تو سنگسار میکردیم ترا ونیستی توپیش ما گرامی قدر (٩١) .

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَهْطِىْٓ اَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ ۭ وَاتَّخَذْتُمُوْهُ

گفت ای قوم من آیاقبیلهٔ من گرامی

---

(١) یعنی حلال چگونه سخن شمارا شنوم .

(٢) مترجم گوید یعنی نمی خواهم که بکار نیک بفرمایم وخود نکنم والله اعلم .

وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا ۖ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾

تراست پیش شماازخدا وگرفتید خدا را انداخته پس پشت خویش هرآئینه پروردگار من بآنچه میکنید دربرگیرنده است (۹۲) .

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ سَوْفَ تَعْلَمُونَ
مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ ۖ وَارْتَقِبُوا إِنِّي
مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾

وای قوم من عمل کنید برطور خود هرآئینه من نیز عمل کننده ام زود خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش وآن را که وی دروغگوست وانتظار برید هرآئینه من باشما منتظرم (۹۳) .

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ
مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي
دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٩٤﴾

ووقتیکه آمد عذاب ما نجات دادیم شعیب را وآنان را که ایمان آوردند باوی به بخشائشی ازخود ودگرفت ظالمان را آواز سخت پس‌گشتند درسراهای خویش مرده افتاده (۹٤) .

كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ﴿٩٥﴾

گویاهرگز نه بودند آنجا آگاه باش دوری باد مَدیَن را چنانکه دور افتادند ثمود (۹۵) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٩٦﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خود وبه دلیل روشن (٩٦) .

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ ۖ وَمَا
أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾

بسوی فرعون وجماعت او پس پیروی کردند فرعون را ونه بود فرمان فرعون براه راست (۹۷) .

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ ۖ وَبِئْسَ الْوِرْدُ
الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾

پیشوا شود فرعون قوم خودرا روزقیامت پس بیاردایشان را بآتش وبدجائیست که وارد آن شدند (دوزخ) (۹۸) .

وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ بِئْسَ الرِّفْدُ
الْمَرْفُودُ ﴿٩٩﴾

وازپی ایشان آورده شد لعنت درین دنیا وروزقیامت نیز بدعطائیست که داده

شد(آن لعنت) (۹۹) .

ذٰلِكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْقُرٰى نَقُصُّهٗ عَلَيْكَ مِنْهَا قَآئِمٌ وَّحَصِيْدٌ ﴿۱۰۰﴾

این ازاخبارده ها ست که میخوانیم آن را برتو بعضی ازآن باقیست وبعضی ازبیخ بریده (۱۰۰) .

وَمَا ظَلَمْنٰهُمْ وَلٰكِنْ ظَلَمُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فَمَآ اَغْنَتْ عَنْهُمْ اٰلِهَتُهُمُ الَّتِىْ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ شَىْءٍ لَّمَّا جَآءَ اَمْرُ رَبِّكَ ؕ وَمَا زَادُوْهُمْ غَيْرَ تَتْبِيْبٍ ﴿۱۰۱﴾

وستم نکردیم ایشانرا ولیکن ایشان ستم کردند برخویشتن پس هیچ دفع نکردند ازایشان معبودان ایشان که میخواندند بغیرازخدا وقتی که آمدفرمان پروردگار تو ونیفزودند ایشان را بجز هلاکی (۱۰۱) .

وَكَذٰلِكَ اَخْذُ رَبِّكَ اِذَآ اَخَذَ الْقُرٰى وَهِىَ ظَالِمَةٌ ؕ اِنَّ اَخْذَهٗۤ اَلِيْمٌ شَدِيْدٌ ﴿۱۰۲﴾

وهمچنین ست گرفتار کردن پروردگار تو چون بگیردِ ده ها را وآنها ستمگار باشند هرآئینه گرفت وی درد دهندهٔ سخت است (۱۰۲) .

اِنَّ فِىْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْاٰخِرَةِ ؕ ذٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوْعٌ ۙ لَّهُ النَّاسُ وَذٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُوْدٌ ﴿۱۰۳﴾

هرآئینه درین سخن نشانه است کسی راکه ترسیده است ازعذاب آخرت آن روز روزیست که جمع کرده شوند درآن مردمان وآن روز روزیست که همه حاضر شوند دروی (۱۰۳) .

وَمَا نُؤَخِّرُهٗۤ اِلَّا لِاَجَلٍ مَّعْدُوْدٍ ؕ ﴿۱۰۴﴾

وموقوف نمی داریم آنرا مگرتامدت معین (۱۰٤) .

يَوْمَ يَاْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ۚ فَمِنْهُمْ شَقِىٌّ وَّسَعِيْدٌ ﴿۱۰۵﴾

روزی که بیاید سخن نگوید هیچ کس مگربدستور حق پس بعض ایشان بدبخت باشند وبعضی نیك بخت (۱۰۵) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ شَقُوْا فَفِى النَّارِ لَهُمْ فِيْهَا زَفِيْرٌ وَّشَهِيْقٌ ۙ ﴿۱۰۶﴾

اماآنانکه بدبخت شدند پس درآتش باشند ایشان راباشد آنجافریادسخت ونالهٔ زار(یعنی مانند آوازخر) (۱۰٦) .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ ؕ اِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيْدُ ﴿۱۰۷﴾

باشند جاودان آنجا مدتِ بقای آسمان ها و زمین مگرآنچه که خواسته است

پروردگار تو هر آئينه پروردگار تومی کند آنچه می خواهد (۱۰۷) .

وَاَمَّا الَّذِيْنَ سُعِدُوْا فَفِي الْجَنَّةِ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ عَطَآءً غَيْرَ مَجْذُوْذٍ ﴿۱۰۸﴾

واما آنانکه نيك بخت کرده شدند پس دربهشت باشندجاودان آنجاتامدتِ بقای آسمان ها وزمين مگرآنچه که خواسته است پروردگار توبخششی غير منقطع[۱] (۱۰۸) .

فَلَا تَكُ فِيْ مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هٰٓؤُلَآءِ مَا يَعْبُدُوْنَ اِلَّا كَمَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُهُمْ مِّنْ قَبْلُ وَاِنَّا لَمُوَفُّوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوْصٍ ﴿۱۰۹﴾

پس مباش درشبهه ازآنچه می پرستند اين گروه نمی پرستند مگر چنانکه می‌پرستيدند پدران ايشان پيش ازين ومماالبته تمام دهندهٔ ايشانيم حصه ايشان را ناکاهيده[۲] (۱۰۹) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ فَاخْتُلِفَ فِيْهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَاِنَّهُمْ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيْبٍ ﴿۱۱۰﴾

وهرآئينه داديم موسیٰ راکتاب پس اختلاف افتاد درآن وا گر نمی بود سخنی که سابقًا صادر شده از پروردگار تو هرآئينه فيصله کرده می شد ميان ايشان و ايشان درشبهه قوی اندازآن (۱۱۰) .

وَاِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ اَعْمَالَهُمْ اِنَّهٗ بِمَا يَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿۱۱۱﴾

وهرآئينه هرکسی وقتی که برانگيخته شود البته تمام خواهد دادايشان را پروردگار توجزای کردار ايشان هرآئينه وی بآنچه ميکنند داناست (۱۱۱) .

فَاسْتَقِمْ كَمَآ اُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا اِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۱۱۲﴾

پس استوار باش چنانچه فرموده شده توراوآنانکه توبه کرده اند همراه تونيز، وازحد مگذريدهرآئينه وی بآنچه می کنيد

---

(۱) مترجم گويد يعنی مدت ماندن دربهشت ودوزخ مانند مدت دوام آسمان ها وزمين است دردنيا اگر زيادتی را که درمشيت خداست ودرفهم کسی نمی گنجد اعتبار نکندحاصل بيان دوام است بابلغ وجوه والله اعلم .

(۲) يعنی حصه ايشان ازعذاب .

بیناست (١١٢) .

وَلَا تَرْكَنُوْٓا اِلَى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ ۙ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُوْنَ ﴿١١٣﴾

ومیل مکنید بسوی آنانکه ستم کردند که آنگاه برسد به شما آتش ونیست شمارا بجزخدا دوستان بازنصرت داده نه شوید (١١٣) .

وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ الَّيْلِ ؕ اِنَّ الْحَسَنٰتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّاٰتِ ؕ ذٰلِكَ ذِكْرٰى لِلذّٰكِرِيْنَ ﴿١١٤﴾

وبرپاکن نمازرا دوطرف روز وساعتی چنداز شب هرآئینه طاعات دورمیکنند گناهان را این پندی هست پندپذیران را (١١٤) .

وَاصْبِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيْعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١١٥﴾

وشکیبائی کن هرآئینه خدا ضائع نمی سازد مزدنیکوکاران را (١١٥) .

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُوْنِ مِنْ قَبْلِكُمْ اُولُوْا بَقِيَّةٍ يَّنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْاَرْضِ اِلَّا قَلِيْلًا مِّمَّنْ اَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۚ وَاتَّبَعَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مَآ اُتْرِفُوْا فِيْهِ وَكَانُوْا مُجْرِمِيْنَ ﴿١١٦﴾

پس چرا نه شدند ازآن قرنهاکه پیش ازشمابودند اهل خرد که منع کنند ازفساد درزمین مگراندکی ازآن جماعت که نجات دادیم ازمیان ایشان وپیروی کردند ستمگاران چیزی را که آسودگی داده شدند بآن[1] وبودند گناه گاران (١١٦) .

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرٰى بِظُلْمٍ وَّاَهْلُهَا مُصْلِحُوْنَ ﴿١١٧﴾

وهرگز نیست پروردگار توکه هلاك کند ده ها را به ستم واهل آن نیکوکار باشند (١١٧) .

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلَا يَزَالُوْنَ مُخْتَلِفِيْنَ ﴿١١٨﴾

وا گر می‌خواست پروردگار توالبته می گردانید مردمان را یك ملت وهمیشه باشند مختلف (١١٨) .

اِلَّا مَنْ رَّحِمَ رَبُّكَ ؕ وَلِذٰلِكَ خَلَقَهُمْ ؕ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ

مگرآنکه بروی رحم کرده است پروردگار تو وبرای این اختلاف آفریده است ایشان را وتمام شد سخن

(١) یعنی بلذات دنیا مشغول شدند .

لَأَمْلَئَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾

پروردگار تو، که البته پرکنم دوزخ را از جنیان ومردمان همه یك جا[1] (۱۱۹) .

وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَآءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ
وَجَآءَكَ فِي هَٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَّذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾

وهرچیزی را حکایت می کنیم برتوازاخبار پیغامبران آن چیزی است که ثابت می گردانیم بآن دل ترا وآمده است به تودرین سوره سخن درست و پندی ویادآوری برای مسلمانان (۱۲۰) .

وَقُلْ لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ
إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾

وبگوآنان را که ایمان نمی آرند عمل کنید برطور خود هرآئینه مانیز عمل کنند گانیم (۱۲۱) .

وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٢٢﴾

وانتظار کشید هرآئینه مانیز منتظریم (۱۲۲).

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ
وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

وخدا راست علم غیب آسمان ها وزمین وبسوی اوبازگردانیده می شودکار همه آن پس عبادت کن اورا وتوکل کن براو ونیست پروردگار تو بیخبر ازآنچه می‌کنید (۱۲۳) .

سُورَةُ يُوسُف

سورهٔ یوسف مکی است وآن یك صدودوازده آیت ودوازده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓرٰ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١﴾

الٓرٰ این آیت ها آیاتِ کتاب روشن است (۱) .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾

هرآئینه مافروفرستادیم آن را قرآن عربی

---

(۱) مترجم گوید درعرف اختلاف رانسبت میکنند باهل باطل نه باهل حق ویقال قال اهل الحق کذاوخالَفَهُم فِرَقٌ پس استثنای مَنْ رَحِمَ بی تکلف صحیح شد والله اعلم .